نشریه مطالعات آموزشی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش
سال چهارم، شماره اول، نیمسال اول تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴
مقاله تحقیقاتی

فرهنگ دانشگاهی و تغییرات آن در ایران

دکتر غلامعلی احمدی[۱]، *جوادپسندیده[۲]، احد دهقانزاده[۳]

چکیده

اهداف: یکی از پیش‌شرط‌های لازم برای تمدن‌سازی؛ تولید علم است که خود مستلزم وجود ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، هنجاری است. یکی از ابزارهای مهم فرهنگی؛ فرهنگ دانشگاهی است. فرهنگ دانشگاهی چیزی متفاوت از فرهنگ اجتماعی، سازمانی و ملی است ولی تحت تاثیر این فرهنگ‌ها قرار می‌گیرد. این پژوهش با هدف مطالعه و بررسی فرهنگ دانشگاهی در ایران و دلایل تغییرات آن انجام شده است.

روش: در پژوهش حاضر با تکیه بر یافته‌های مطالعات قبلی در ارتباط با فرهنگ دانشگاهی از طریق روش آمیخته (کمی شامل توصیفی- پیمایشی و کیفی شامل خود زیسته و اکتشافی) سعی در بررسی فرهنگ دانشگاهی و تغییرات آن در ایران در طول ۱۵ سال گذشته (۱۳۷۹ تا ۱۳۹۴) شد. جامعه مورد مطالعه استادان هیات علمی رسمی و مدعو دانشکده‌های مدیریت، علوم انسانی و فنی دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای تهران شمال، یادگار امام (ره)، تهران مرکزی و دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی و دانشکده فارابی است. داده‌ها از طریق پرسشنامه و مصاحبه گردآوری شد که داده‌های کمی با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ تحلیل گردید.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که فرهنگ دانشگاهی در ایران علاوه بر تاثیر پذیری از وضعیت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور تا حد زیادی از تحولات فرهنگ‌های مختلف جامعه ایرانی، گسترش بی‌منطق دانشگاه‌ها در ایران برای پاسخ به تزاید تقاضاها و سپس توده‌گرایی دانشگاه، اعطای رانت‌های گوناگون در قالب سهمیه و بورسیه در تغییرات فرهنگی دانشگاه در ایران تاثیرپذیری داشته است. همچنین در حال حاضر فرهنگ غالب در دانشگاه ایرانی؛ فرهنگ نیپونیک است.

نتیجه‌گیری: طبق یافته‌های این پژوهش، محیط آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های مورد مطالعه، محیطی «ترغیب کننده» و «طالب» یادگیری و آموزش و پژوهش نیست. تقلید بدون آگاهی و نبود سیستم پرسشگر؛ مانع از رشد علمی و انتقال مهارت به دانشجویان می‌شود. مطالعه اندک در این نگارش نشان می‌دهد فرهنگ دانشگاهی در ایران با شیب تندی در حال تغییر است اما تغییری که نویدبخش تعالی علمی نیست بلکه علاوه بر این که در برخی مولفه‌ها منزلت علم و انسان دانشگاهی را خدشه‌دار نموده مانع از توسعه علمی کشور شده است. شرایط علمی و آکادمیک به ویژه در حوزه علوم انسانی بحرانی است و این وضعیت موجب کندی تولید علم به ویژه در حوزه علوم انسانی شده است.

کلمات کلیدی: فرهنگ، دانشگاه، فرهنگ دانشگاهی، تغییر

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مشکلات کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه، بحران تولید علم بوده و هست. آنچه که اذهان رهبران و نخبگان این کشورها را مشغول کرده این است که

۱ـ دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران
۲ـ مدرس دانشگاه فارابی، دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران (*نویسنده مسئول)
شماره تماس: ۰۹۱۲۴۴۳۸۸۵۱- ۰۹۱۴۶۱۴۱۳۴۸۰۴ آدرس الکترونیک: Javadpasandideh@gmail.com
۳ـ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

[Downloaded from nama.ajaums.ac.ir on 2026-10-31]

چگونه می‌توانند به علم و فناوری پیشرفته دست یافته و مهم‌تر از همه خودشان مولد علوم باشند. این دغدغه بیش از دو قرن در ایران سابقه دارد به طوری که حدود ۲۰۰ سال پیش تعدادی از نخبگان و اشراف مملکتی در دسته‌ای موسوم به «کاروان علم و معرفت» به اروپا اعزام شدند و اکنون بیش از ۱۵۰ سال از تاسیس دارالفنون می‌گذرد. در این سیر تاریخی، کشورهای پیشرفته جهان سخن از دانشگاه جدید می‌زنند که به گفته «امانوئل کانت» این نوع دانشگاه بر روی وجه مشترک همه‌ی انسان‌ها یعنی خرد؛ استوار است. دانشگاه‌های مدرن مولد علم هستند (۱).

یکی از پیش شرط‌های تولید علم، تولید فرهنگ دانشگاهی و هنجارهای حرفه‌ای است بدون ایجاد این نرم‌افزارها و انتقال آن نمی‌توان از نشو و نمای علمی صحبت کرد. علم بدون وجود ساختارهای هنجاری و اجتماعی و فرهنگی خاص خود تولید نمی‌شود و گویی هنجارهای علمی و دانشگاهی بخشی از معرفت علمی و دانشگاهی است (۲). فرهنگ دانشگاهی یکی از بنیان‌های توسعه علمی در کشور است. حل بحران تولید علم مستلزم شناخت «فرهنگ یادگیری»، «فرهنگ آموزش»، «فرهنگ سازمانی و مدیریت» و «فرهنگ رشته‌ای» و دیگر «خرده فرهنگ‌های» درون دانشگاه است (۳). محیط دانشگاه و اجتماعات علمی همانند نهادی اجتماعی و عامل اجتماعی کننده (Social Self) عمل می‌کنند و از سوی دیگر فرهنگ علمی جوامع نقش عمده‌ای را در انتقال فرهنگ، درونی کردن هنجارها (Internalize of Norms) و ارزش‌های دانشگاهی و حرفه‌ای (Academic and Proffessinal Values) و توسعه مفهوم من اجتماعی ایفا می‌کند (۲). فرهنگ واژه‌ای است با معانی بسیار گسترده که تا به حال تعریف واحدی از آن صورت نگرفته است از نظر یونسکو فرهنگ کلیت تامی از ویژگی‌های مادی، معنوی، فکری و احساسی است که یک گروه اجتماعی را مشخص می‌کند (۴) فرهنگ دانشگاهی را الگوی معانی نهفته در صور نمادین، از جمله کنش‌ها، گفته‌ها، و تمامی مقولات معناداری می‌دانند که افراد دانشگاهی به کمک آن با هم ارتباط برقرار می‌کنند و در تجارب، دریافت‌ها و باورهای مشترک با یکدیکر سهیم می‌شوند (۵).

«گالتونگ» (Galtung) (۱۹۸۱) معتقد به وجود فرهنگ دانشگاهی متناسب با سبک‌های فکری هر جامعه‌ای است و بر این اساس چهار نوع فرهنگ دانشگاهی و سبک فکری متمایز از هم را به شرح زیر طبقه‌بندی کرده است: فرهنگ ساکسونیک که در آن افراد؛ به بحث و گفتگوی بیشتر در فضایی از نظر اجتماعی نسبتاً برابر تشویق می‌شوند، و رهیافتی بیشتر تجربی به پژوهش دارد. فرهنگ تیوتونیک که بر روابط «استاد– شاگردی» و رهیافت قیاسی تاکید بیشتر دارد. از این رو توجه دانشجویان را بیشتر به ابعاد منطقی بحث هدایت می‌کنند و فرهنگ گالیک که بر اساس آن روابط افقی برابر میان استاد و دانشجو بر قراراست، اما بر رهیافتی غیر قیاسی تاکید بیشتر دارد و در نهایت فرهنگ نیپونیک که بر روابط عمودی و سلسله مراتبی تاکید بیشتر دارد. گالتونگ معتقد است که هر جامعه‌ای «فرهنگ دانشگاهی» خاص خود را ایجاد می‌کند، زیرا فرهنگ دانشگاهی از دل ساختارها و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن جامعه بیرون می‌آید. بنابراین، «جامعه»، الگوها، شیوه‌ها و استانداردهای آموزش و پژوهش و موثر در فرایند یادگیری و انتقال علم را مشخص می‌کند (۳). اگر دانشگاه را معادل لغت یونیورسیته (جهان یا سپهر عالم) در نظر بگیریم یعنی یک فضای ارتباطی وسیع و غنی که مرکزی برای زندگی علمی در فضایی سرشار از هنجار و عادت و رسوم و... متناسب با یک اجتماع فرهیختگی است (۶) که در درون دو محیط به اصطلاح نزدیک (محیط ملی) و محیط دور (محیط فراملی یا بین الملل) فعالیت می‌کند و چون دانشگاه به طور ذاتی با محیط دور و نزدیک خود در ارتباط است به طور قطع تاثیر مثبت و منفی فراوانی از محیط خود خواهد گرفت و بالعکس. از طرف دیگر هم محیط دور و هم محیط نزدیک دارای تغییرات روزافزونی است بنابراین تغییرات فرهنگی

[Downloaded from nama.ajaums.ac.ir on 2026-10-31]

دانشگاه متاثر از تغییرات محیطی دور و نزدیک امری بدیهی بوده و دور از ذهن نمی‌باشد.

از طرف دیگر تولید علم و یا به عبارت دیگر خروج از بحران تولید علم مستلزم وجود یک سری نرم‌افزار و یا ابزار است که یکی از آن نرم‌افزارهای مهم فرهنگ دانشگاهی است که به در هر جامعه‌ای به مرور زمان تغییراتی را می‌پذیرد. نقش «فرهنگ دانشگاهی» به منزله خرده فرهنگ مستقل با ویژگی‌های خاص خود، در روند توسعه علمی و عملکرد نظام آموزش عالی در ایران نه تنها در مطالعات آموزش عالی و علم پژوهی مغفول مانده است، بلکه این مفهوم در کل برنامه‌ها و استراتژی‌های آموزش عالی کشور نیز چندان شناخته شده نیست (۵). این پژوهش از آن جهت ضرورت دارد که می‌تواند یکی از وجوه توسعه یا عدم توسعه علمی در کشور را مورد بررسی قرار دهد. نظر به این که محققین در کسوت معلمی در دانشگاه فعالیت دارند، آگاهی از این تغییرات فرهنگی و میزان تاثیرگذاری آنها در تولید علم را یکی از دغدغه‌های خود می‌دانند. با این توضیح دغدغه و مساله اصلی در این نگارش بررسی تغییرات فرهنگ دانشگاهی در ایران از سال ۱۳۷۹ تاکنون (۱۳۹۴) در ۴ دسته کلی علوم می‌باشد.

روش پژوهش

این پژوهش با هدف مطالعه تغییرات فرهنگ دانشگاهی در ایران در طول ۱۵ سال گذشته در چهار دسته کلی علوم و با استفاده از مولفه‌های منتخب انجام و در صدد پاسخ به یک سوال اصلی با این عنوان که فرهنگ دانشگاهی ایران از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۴ چه تغییراتی داشته است؟ و همچنین پاسخ به دو سوال فرعی با عناوین ۱- تغییرات فرهنگ دانشگاهی ایران در کدام یک از رشته‌های عمده بیشتر بوده است؟ و ۲- فرهنگ دانشگاهی غالب در دانشگاه ایرانی (طبق ۴ نوع فرهنگ گالتونگ)، کدام است؟ برآمد؛ جامعه آماری این پژوهش تعداد ۲۴۰۰ نفر از اعضای هیات علمی رسمی و مدعو دانشکده‌های مدیریت، علوم انسانی و فنی دانشگاه‌های آزاد اسلامی واحدهای تهران شمال، یادگار امام (ره)، تهران مرکزی و دانشگاه‌های فارابی، تهران و علامه طباطبایی است. جامعه نمونه بر اساس جدول کرجسی- مورگان به تعداد ۳۳۱ نفر انتخاب و به صورت تصادفی پرسشنامه در بین آنها پخش گردید. در پژوهش حاضر که با تکیه بر یافته‌های مطالعات قبلی در ارتباط با فرهنگ دانشگاهی از طریق روش آمیخته (کمی شامل توصیفی- پیمایشی و کیفی شامل خود زیسته، اکتشافی و مصاحبه) انجام شد سعی در بررسی فرهنگ دانشگاهی و تغییرات آن در ایران در طول ۱۵ سال گذشته (۱۳۷۹ تا ۱۳۹۴) شد. به این ترتیب که نتایج روش توصیفی- پیمایشی از طریق مصاحبه غیر ساختمند با استادان و تعدادی از دانشجویان و تجربه زیسته محققین تحلیل گردید. روایی پرسشنامه (متشکل از ۸ مولفه ذکر شده) از دو طریق محاسبه گردید اول از طریق نظرخواهی از کارشناسان و اهل فن (اعم اساتید دانشگاه و مدیران) در مورد محتوای پرسشنامه و تعداد ۱۴ نفر از خبرگان و دوم به شیوه روایی «محتوایی (Content Validity)» انجام و نشان داده شد که سوالات در حدود ۸۷ درصد، کل را پوشش می‌دهند. محاسبه پایایی پرسش نامه از طریق« بازآزمایی » انجام شد به این معنی که تعداد ۲۰ پرسشنامه بین استادان و دانشجویان توزیع و ۱۵ روز بعد مجدداً در بین همین گروه پخش و میزان پایایی و سازگاری درونی محاسبه گردید ضریب پایایی دو نیمه ابزار (Correlation Between Forms) برابر ۸۸۰/. درصد می‌باشد که مبین همبستگی بین جمع سوال‌ها در هر گروه می‌باشد و برای بررسی مقدار پایایی کل ابزار (پرسشنامه) از ضریب اسپیرمن -براون (Spearman-Brown Coefficient) استفاده شد مقدار این ضریب برابر ۰/۸۸۵ می‌باشد که نشان می‌دهد میزان پایایی ابزار اندازه‌گیری جهت سنجش شاخص‌ها در حد بالایی قرار دارد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های کمی از آمار توصیفی (جداول مشخصه‌های آماری و توزیع فراوانی) و استنباطی (توزیع خی دو و مقایسه

[Downloaded from nama.ajaums.ac.ir on 2026-10-31]

بین میانگین‌ها) استفاده گردید و سپس یافته‌های پرسشنامه‌ای با مصاحبه‌های غیرساختارمند و تجربیات خود زیسته مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

فرهنگ دانشگاهی

جامعه‌شناسان، علم را نهاد اجتماعی دارای «فرهنگ مستقل» می‌دانند که مانند خانواده، اقتصاد، مذهب و سیاست، دارای باورها، ارزش‌ها و معیارهای خاص خود است. این معیارها الگوهای اخلاقی و فنی مجاز و قابل قبول کنش و منش افراد وابسته به این نهاد را تعیین می‌کنند و به اعضاء آن می‌گویند چه چیز مرجح، مقبول، پسندیده و مجاز است. بنابراین، «فرهنگ علم چیزی مجزای از رفتار و الگوهای رفتاری معمول و متداول در جامعه است (۷). علم قابل تحویل به اطلاعات، فرضیات، نظریات و روش‌های مدون شده‌نیست بلکه شیوه زیست و سبک زندگی و ساختار فرهنگی خاص خود را دارد در علم یک نوع عنصر شبیه به امر متعالی هست و به عبارتی می‌توان گفت اهالی علم کم و بیش این احساس را دارند که گویا زائر و خواهان حقیقتند (۱).

این ارزش‌ها، انگیزه و محرک درونی و علایق شخصی کنشگران عرصه علم را جهت داده و در مسیر مشترکی که «ارتقاء دانش» است سوق می‌دهد. از این رو علم با تلاش مشترک کنشگران عرصه علم و با رعایت ارزش‌ها و هنجارهای خاص آن توسعه می‌یابد (۸). فرهنگ دانشگاهی به طور عمده چشم‌انداز دانشگاهی، شور و نشاط دانشگاهی، اخلاق دانشگاهی و محیط‌های دانشگاهی را شامل می‌شود. (۹) همچنین در پرتو مطالعات متنوعی که در حوزه‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی صورت پذیرفته توسعه علمی و فرهنگی به عنوان پیش‌شرط و عامل بنیادین توسعه پایدار جوامع معرفی شده است. بدیهی است دانشگاه‌ها به عنوان «برج فرماندهی علمی و فکری جامعه» در این میان نقش و کارکردی اساسی و بی‌بدیل دارند. «هربرت باترفیلد (Herbert Betterfild) » این نقش و کارکرد را تا آن حد می‌داند که از دانشگاه‌ها به عنوان آخرین سنگر تمدن بشر یاد می‌کندو تاکید می‌کند دانشگاه باید دارای چشم‌انداز و برنامه‌های راهبردی باشد و آن را جزء مولفه‌های اجتناب ناپذیر فرهنگ دانشگاهی می‌داند (۱۰). مولفه دوم که «فنگ» از آن یاد کرده شور و نشاط دانشگاهی است. شور و نشاط دانشگاهی؛ میزان پشتکار دانشگاهیان برای تزاید علمی است که در پژوهش‌ها و آموزش‌های کیفی اخلاق‌مدار خود را نمایان می‌سازد و در نهایت به کیفیت آموزش عالی ختم می‌شود.

سونسن (۲۰۰۴) کیفیت را طیفی از رویکردهای تعالی‌گرا تا کاربردگرا، مشترک‌گرای معطوف به ارزش افزوده نهایی می‌داند (۷) آموزش عالی ایران به ویژه در پی گسترش کمی پرشتاب آن در پاسخ به تقاضاهای رو به تزاید اجتماعی، با پرسش کیفیت رو به رو شده است (۱۱) در حال حاضر آن چه که کیفیت آموزش عالی ایران را تحت تاثیر خود قرار داده؛ ضعف در مولفه‌های فرهنگ دانشگاهی ناشی از شور ورود به دانشگاه در افراد جامعه بدون توجه به کیفیت آن و تطابق ضعیف و حتی دیر هنگام افراد دانشگاهی با فرهنگ دانشگاهی منتهی به کیفیت و فرهنگ تولید علم است.

یکی دیگر از مولفه‌های مهم فرهنگ دانشگاهی داشتن اخلاق‌است. اخلاق «مجموعه‌ای از فرآیندهای عینی معنوی که دخالت تام در رشد خود واقعی دارد» و «فرآیندی که طی آن، در کارکرد واحدهای صفاتی یا ارگانیزم معنوی تعادل ایجاد می‌شود» است «بئوچمب» اخلاقیات را به عنوان تحقیق در تئوری «آن چه خوب یا بد است» و تحقیق درباره «آن چه درست یا غلط است» و در نتیجه تحقیق در «آن چه ما باید انجام بدهیم و آن چه نباید انجام بدهیم» تعریف کرده است (۱۲). و اخلاق علمی، ارزش‌های شراکتی و تعهدات درون‌زای خاصی است که از طریق تجربه‌ها و تعاملات اجتماع علمی و الگوهای زیسته فرهنگ دانشگاهی و در پیوند با معانی، نمادها و هنجارهای علم اعتبار می‌یابد در نظریه‌های فلسفه آموزش عالی

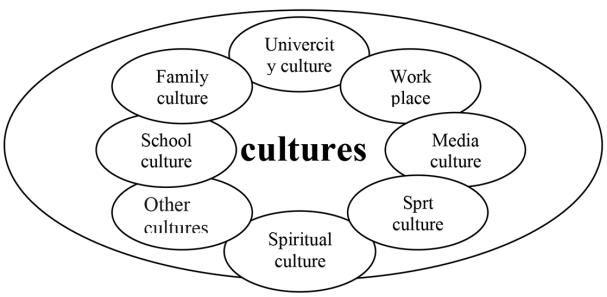
[Downloaded from nama.ajaums.ac.ir on 2026-10-31]

فلسفه وجودی فرهنگ دانشگاهی از طریق دیسیپلین‌هایی مانند انضباط فکری، جستجوی بی‌طرفانه حقیقت، وفاداری به‌آن، شهروندی مدرن، ارتباط خلاق با جامعه و پاسخگویی اجتماعی و... توضیح داده می‌شود. در یک گروه بزرگ از نظریات جامعه‌شناختی که نماینده برجسته آن «مرتون» است محور این فرایند، درونی شدن هنجارهایی مانند عام‌گرایی، اشتراک گرایی، بی طرفی و شک سازمان یافته در دانشجویان‌است. آنها تدریجاً این فرهنگ دانشگاهی را می‌پذیرند (۷). با این استنتاج‌ها در می‌یابیم که فرهنگ دانشگاهی به صورت زبان ویژه، فضای نمادین، آیین‌های دانشگاهی، عرف و مقررات و به طور کلی نمادهای خاص، عینیت و تبلور می‌یابد و مهم‌ترین کارکرد آن تعیین و ایجاد نوع خاص هویت برای انسان دانشگاهی است. به تعبیر استعاری «تونی بچر» (۱۹۸۷) فرهنگ دانشگاهی، قلمروها و مرزهای اجتماع علمی را مانند یک قبیله مشخص می‌سازد. تونی بچر از آن جهت استعاره «قبیله» را بکار می‌برد که «در اجتماعات دانشگاهی نیز مانند یک قبیله، می‌توان الگوها فرهنگی، زبان، قلمرو و سرحدات، باورها و ارزش‌های متمایز از دیگری را شناسایی کرد. همان طور که افراد عضو قبیله دارای هویت قبیلگی خاص هستند، اعضاء اجتماعات علمی نیز دارای هویت قابل شناسایی ویژه‌اند. از این رو مهم‌ترین وجه فرهنگ دانشگاهی کارکرد آن در هویت سازی است. «هویت دانشگاهی» اشاره به «فرد متمایزی» دارد که دارای تاریخ منحصر به خود است و در درون چارچوب اخلاقی و مفهومی قرار گرفته است که او را در درون نهادها یا «اجتماعات معین و تعریف شده» قرار می‌دهد. در درون این موقعیت‌ها و اجتماعات است که فرد به جستجوی احترام و اعتبار که برای فرد دانشگاهی اهمیت دارد می‌پردازد. همان طور که «پیتر تیلور» می‌نویسد «هویت دانشگاهی» دارای سه سطح از یکدیگر متمایز است. یکی هویتی که دانشگاه و محل کار فرد به عضو دانشگاهی می‌دهد. وقتی فردی می‌گوید «من استاد دانشگاه تهران یا دانشگاه آزاد هستم» در اصل دانشگاه محل خدمتش به او اعتبار و پرستیز می‌دهد. دوم، مجموعه عناصر مربوط به «هویت رشته‌ای» و ویژگی‌های حرفه‌ای خاص مربوط به رشته‌های مختلف است. رشته‌های مختلف فرهنگ‌های متفاوتی دارند و هویت‌های متمایزی به وجود می‌آورند. «تونی بچر» معتقد است هر یک از رشته‌های دانشگاهی متناسب اهداف، روش‌ها، اصول و کاربردهای شان، نظامی از ارزش‌ها، باورها و هنجارها یا «فرهنگ رشته‌ای» را تشکیل می‌دهند. بر این اساس، او رشته‌های دانشگاهی را به چهار گروه عمده تقسیم و ویژگی‌های «فرهنگ رشته‌ای» هر یک از آنها را تفکیک می‌کند: علوم محض، علوم انسانی، علوم تکنولوژیک و علوم اجتماعی کاربردی.

فرهنگ‌های مرتبط با فرهنگ دانشگاهی

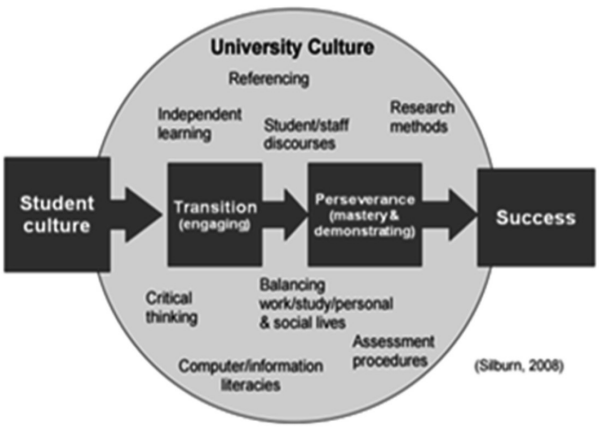
فرهنگ‌های مختلفی در شکل گیری فرهنگ دانشگاهی دخالت دارند. فرهنگ دانشگاهی همانند هر فرهنگ دیگری دارای مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، شیوه‌ها، آداب و رسوم، زبان و تاریخ منحصر به خود است که پویا، قابل یادگیری و انتقال است. در شکل زیر چند نوع فرهنگ که تشکیل دهنده فرهنگ کلی یک فرد در جامعه هستند نام برده شده است. سیلبورن (۲۰۰۸) این فرهنگ‌ها را در جامعه استرالیا مورد مطالعه قرار داده و از مخاطبین خود سوال کرده که کدام یک از این فرهنگ‌ها در شکل دادن به شخصیت شما به عنوان یک یادگیرنده؛ با نفوذترین بوده است؟ (۱۲)

نتیجه این مطالعه بیان تاثیرپذیری هر کدام از این فرهنگ‌ها از یکدیگر بوده و در نهایت شکل گیری فرهنگ هر فردی را منجر



[Downloaded from nama.ajaums.ac.ir on 2026-10-31]

می‌شود اما نتایج یافته‌ها دال بر این بود که فرهنگ دانشگاهی نسبت به بقیه فرهنگ‌ها در شکل‌گیری شخصیت افراد تاثیر بیشتری داشته است. یکی دیگر از یافته‌های این مطالعه در شکل زیر بیان شده است. طبق این یافته‌ها دانشجویان در حین ورود به دانشگاه، فرهنگ و تجربه قبلی خود را که متاثر از فرهنگ خانوادگی، قومی، محلی و سایر فرهنگ‌های مرتبط است به ارمغان می‌آورند. اگر به محض ورود به دانشگاه و در مرحله گذار از فرهنگ قبلی خود به فرهنگ دانشگاهی، نسبت به مهارت‌های آکادمیک پشتکار داشته و درک خود را از نظم و انضباط دانشگاهی از طریق انجام تکالیف و بحث‌های خود به خوبی کسب کنند موفق خواهند شد. و این افراد موفق، مجدداً وارد جامعه خواهند شد و فرهنگ جامعه را تحت تاثیر فرهنگ خود قرار خواهند داد (۱۳).



«علی طایفی» نیز پژوهشی با عنوان «فرهنگ علمی- پژوهشی ایران: بررسی قابلیت‌ها و تگناها» در ۱۳۷۸ انجام داده‌است. این بررسی در دو بخش جداگانه نقاط ضعف و نقاط قوت فرهنگ علمی- پژوهشی کشور را از تمام ابعاد دینی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، سازمانی، ساختاری، روان شناختی و معرفتی شرح داده است. ۱۱ مولفه مد نظر این محقق با اندکی تغییر به ۶ مولفه زیر تبدیل شده است:

۱-تقلید گرایی، ۲- پرهیز از برخورد نقادانه و پرسشگرانه، ۳- تفرد و بی اعتمادی افراد دانشگاهی به یکدیگر، ۴- بی توجهی به هنجارهای اخلاق علمی مانند سرقت علمی مطالب دیگران، ۵- آماده خوری فرهنگی و علمی یا عدم تمایل برای نلاش جدی در راه تولید علمی، ۶- ضعف منطق علمی و شک سازمان یافته.

سیلبورن (۲۰۰۸) نیز در مطالعه خود مولفه‌های زیر را برای فرهنگ دانشگاهی در نظر گرفته است:

۱- تفکر انتقادی: ظرفیت سوال و به چالش کشیدن و ارزیابی اطلاعات

۲- اظهار نظر و سوال و جواب در کلاس و یادگیری و یاددهی آنلاین.

۳- ارایه نظر مخالفت با مدرس یا نویسنده

۴- استفاده از ارجاع‌ها در نگارش‌های دانشگاهی (تصدیق و اعتبار دادن به دیگری).

۵- یادگیری مستقل (توانایی پژوهش، کشف دانش، توسعه مهارت‌های جدید و تحقق تعهدات مطالعه خود).

۶- تشویق شدن به یادگیری مادام العمر. (۱۳)

محققین با استفاده از مولفه‌های دو پژوهش انجام شده (با انجام تغییرات در مولفه‌ها) مولفه‌های فرهنگ دانشگاهی را به شرح زیر انتخاب و مورد مطالعه قرار داده‌اند:

۱-تقلید گرایی، ۲- پرهیز از برخورد نقادانه و پرسشگرانه، ۳- تفرد و بی اعتمادی افراد دانشگاهی به یکدیگر، ۴- بی توجهی به هنجارهای اخلاق علمی مانند سرقت علمی مطالب دیگران، ۵- آماده‌خوری فرهنگی و علمی یا عدم تمایل برای نلاش جدی در راه تولید علمی، ۶- ضعف منطق علمی و شک سازمان یافته، ۷- یادگیری مستقل و ۸- تشویق شدن به یادگیری مادام العمر

در جدول زیر اطلاعات پرسشنامه‌ای دو دوره مورد تحلیل قرار گرفت سمت راست جدول مربوط به نظراستادان و مربوط به سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ است و سمت چپ جدول مربوط به اطلاعات همان شاخص‌ها با نظر استادان که در سال ۱۳۹۴ هم در دانشگاه در حال فعالیت بودند مربوط می‌شود. (جدول

[Downloaded from nama.ajaums.ac.ir on 2026-10-31]

Descriptive Statistics	Sale ۱۳۷۹-۱۳۸۲					
soal	Mean	Std. Deviation	Analysis N	Mean	Std. Deviation	Analysis N
تقلید گرایی	۳/۶۹	۲/۰۱	۳۳۱	۳/۰۹	۱/۹۴	۳۳۱
پرهیز از برخورد نقادانه و پرسشگرانه	۲/۱۷	۱/۰۰	۳۳۱	۸۹ /۳	۱/۲۴	۳۳۱
تفرد و بی‌اعتمادی افراد دانشگاهی به یکدیگر	۳/۹۴	۱/۹۲	۳۳۱	۲/۰۵	۱/۴۵	۳۳۱
بی توجهی به هنجارهای اخلاق علمی مانند سرقت علمی مطالب دیگران	۴/۷	۱/۰۲	۳۳۱	۲/۱	۱/۰۰	۳۳۱
آماده خوری فرهنگی و علمی	۳/۷	۲/۵۸	۳۳۱	۲/۵۱	۱/۳	۳۳۱
ضعف منطق علمی و شک سازمان یافته	۳/۰۰	۱/۵	۳۳۰	۲/۱۱	۱/۰۰	۳۳۰
توانایی یادگیری مستقل	۳/۵	۱/۲	۳۳۱	۳/۱	۰/۸۴	۳۳۱
تشویق به یادگیری مادام‌العمر	۳/۴۲	۱/۱۴	۳۲۸	۲/۸۰	۰/۸	۳۲۸

زیر مربوط به پاسخ استادان همه رشته‌ها است).

۱- تقلید گرایی

تقلید به معنای دنباله‌روی است که یکی از مولفه‌های فرهنگ دانشگاهی در نظر گرفته شد. پاسخگویان میانگین نمره ۳/۰۹ را در سال‌های ۷۹ تا ۸۲ و ۳/۶۹ را در سال ۱۳۹۴ را به این مولفه‌دادند که نشان می‌دهد از نظر دانشجویان و استادان پاسخگو؛ تقلید گرایی در فرهنگ دانشگاهی ایران در طول ۱۵ سال گذشته ۱۲٪افزایش داشته است. این مولفه به صورت تک تک در رشته‌های عمده نیز تحلیل شد که به ترتیب بیشترین تقلیدگرایی از نظر پاسخ دهندگان به شرح زیر دسته بندی شد: علوم انسانی، علوم اجتماعی کاربردی، علوم محض و علوم تکنولوژیک

۲- پرهیز از برخورد نقادانه و پرسشگرانه

دومین مولفه مربوط به قدرت نقادانه (نقدسازنده نه تخریب‌گر) و پرسشگرانه است این مقوله در حوزه دانشگاه شاید اندکی متفاوت از بقیه حوزه‌ها باشد برای یکسان شدن برداشت نگارندگان با مخاطبین ابتدا لازم است در این مورد اندکی توضیح داده شود: «ریچارد پاول» در این زمینه می‌گوید: انسان برای زندگی در دنیای پرچالش و پرتحول امروز نیازمند مهارت‌های فکری سطح بالاست. از جمله‌ی این مهارت‌ها تفکر نقاد است که به تعبیری فرایند تفکر درباره‌ی تفکر و ارزیابی هشیارانه‌ی فرد از افکار خود است. چنین مهارتی تنها از طریق آموزش و تمرین قابل دستیابی است. یکی از قدیمی‌ترین و درعین حال کارآمدترین روش‌ها برای آموزش تفکر نقاد «پرسشگری سقراطی» است. روش سقراطی که به نام‌هایی چون روش افلاطونی، تلنخوس (بازجویی) و دیالکتیک (جدل) نیز خوانده شده، روشی برای مباحثه است که بر اساس سوال و جواب متوالی و هدف‌مند بناشده باشد به طوری‌که با اختیار موضع طرف مقابل، ابتدا موافقت و همراهی او جلب شود و سپس تناقضات استدلال‌های او آشکار و با استفاده از موضع خود شخص، مدعایش رد شود. پاول اضافه می‌کند که استاد پایبند به تدریس برای تفکر نقّاد حتماً باید فراتر از موضوع درسیِ تفکیک شده بیندیشد و در جهت غایت‌ها و اهدافی تدریس کند که بالاتر از طبقه‌بندی موضوع درسی‌اند. یعنی تبدیل کردن محیط کلاس درس به یک اجتماع کوچک نقاد؛ مکانی که ارزش‌های مربوط به تفکر نقاد (درستی، بی تعصبی، همدلی، خودپیروی، عقلانیت و انتقاد از خود) در آن مورد تشویق و پاداش قرار بگیرند (۱۴). با این توضیح اگر به اطلاعات جدول بالا مراجعه شود پاسخ دهندگان معتقدند از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۴ این نوع برخورد از میانگین ۳/۸۹ به ۲/۱۷

[Downloaded from nama.ajaums.ac.ir on 2026-10-31]

کاهش پیدا کرده است. با این استنتاج می‌توان نتیجه گرفت که سطح مهارت‌های فکری افراد دانشگاهی هم در ایران رو به افول بوده است. نتیجه بررسی تک‌تک رشته‌های عمده در این مولفه به شرح زیر شد (از بیشترین افول تا کمترین نوشته شده است): علوم محض، علوم انسانی، علوم تکنولوژیک و علوم اجتماعی کاربردی

۳- تفرد و بی‌اعتمادی افراد دانشگاهی به یکدیگر

یکی از مولفه‌هایی که در این نگارش برای فرهنگ دانشگاهی در نظر گرفته شد مولفه اعتماد است. «گیلسون» اعتماد را شکل متفاوتی از اطمینان می‌داند زیرا قضاوت‌های مبتنی بر اعتماد در سطحی از عدم اطمینان نسبت به انگیزش‌های دیگران به وجود می‌آید. نصری (۱۳۹۰) گفته‌است: اعتماد تصمیمی برای انطباق با محیط اجتماعی است. در این محیط اجتماعی ماهیت و رفتار دیگران نه کاملا روشن و نه کاملا تاریک است. بلکه محیط اجتماعی فضای مه‌آلودی است که در آن نسبت به رفتار یا کنش احتمالی دیگران تردید وجود دارد. از نظر پاسخگویان میانگین این مولفه از ۲/۰۵ در سال ۱۳۷۹ به ۳/۹۴ در سال ۱۳۹۴ رسیده است هر چند نسبت به بقیه مولفه‌ها تغییر و یا بهتر بگوییم افول کمتری داشته است ولی در نوع خود قابل تامل است. مولفه حاضر در رشته‌های عمده رتبه‌ای به شرح زیر دارد (از کمترین اعتماد به بیشترین نوشته شده است): علوم تکنولوژیک، علوم انسانی، علوم اجتماعی کاربردی و علوم محض

۴- بی‌توجهی به هنجارهای اخلاق علمی مانند سرقت علمی مطالب دیگران

واژه دزدی علمی (plagiarism) برای اولین بار در قرن اول میلادی توسط شاعر رومی به نام "مارتیال" برای ربودن شعرهایش توسط شاعر دیگری به کار رفت. این واژه در سال ۱۶۰۱ توسط بن جانسون به معنی کسی که متهم به دزدی ادبی است توصیف شد و واژه دستبرد یا دزدی علمی در حوالی سال ۱۶۲۰ از آن مشتق شد. این واژه در دایره‌المعارف ویکی پدیا به صورت تصاحب غیرواقعی، تقلید بسیار نزدیک یا ربودن و چاپ کلام، افکار، ایده‌ها و عبارات نویسنده دیگر و ارائه آن به عنوان کار اصیل خود تعریف شده‌است (۱۵) یکی از معضلات علمی در ایران پدیده سرقت علمی است در ادبیات آموزش عالی، دستبرد فکری توسط دانشجویان، استادان، یا پژوهشگران را نادرستی آموزشی می‌دانند و متخلفان مورد انتقاد هستند.

پاسخ دهندگان به سوالات این تحقیق نسبت سرقت علمی در سال ۱۳۹۴ را به سال ۱۳۷۹ بیش از دو برابر می‌دانند. این مولفه از منظر پاسخگویان و به تفکیک رشته نتیجه‌ای به شرح زیر را دارد (از بشترین سرقت علمی تا کمترین نوشته شده است): علوم انسانی، علوم اجتماعی کاربردی، علوم تکنولوژیک و علوم محض

۵- آماده‌خوری فرهنگی و علمی

یکی از مولفه‌هایی که برای سنجش فرهنگ دانشگاهی در ایران در نظر گرفته شد تمایل به آماده‌خوری فرهنگی و علمی است که شاید بتوان گفت روی سیاه فرهنگ دانشگاهی است. وجود شرکت‌هایی که آزادانه به تبلیغ مقاله‌نویسی، پایان‌نامه‌نویسی، چاپ مقاله در کمترین زمان در نشریات ISI و... نشان از آماده‌خوری علمی در کشور است. آماده‌خوری علمی بیشتر در افرادی اتفاق می‌افتد که توان علمی برای تحصیلات دانشگاهی به ویژه تحصیلات تکمیلی را ندارند بلکه به دنبال کسب منزلت و یا مقام اجرایی به وسیله مدرک هستند این افراد معمولاً دارای ثروت مادی هستند.به گفته یکی از اساتید دانشگاه، افرادی که ثروت بادآورده دارند اصالتا ثروت‌مند نبوده‌اند؛ چرا که ارزش‌های فرهنگی مربوط به ثروت را ندارند و در نتیجه ثروت این افراد به خودنمایی منجر می‌شود. با توجه به این نکته افراد بی‌اصالت به حوزه تحصیلات تکمیلی نیز وارد

[Downloaded from nama.ajaums.ac.ir on 2026-10-31]

شده‌اند و قصد دارند با خرید مقاله، پایان‌نامه، مدرک و... خود را دارای ارزش‌های فرهنگی نشان دهند؛ درحالی که آن‌ها با این ارزش‌ها فاصله دارند و تنها با کسب عنوان این اتفاق برای آن‌ها می‌افتد. دکتر اسلامی معتقد است: در چنین افرادی با درک از علم روبرو نیستیم بلکه تنها با مدرک آن‌ها روبروییم. دکتر فکوهی نیز در مقاله‌ای می‌نویسد «قدرتِ بی‌کنترل و ثروت بادآورده منجر به فرهنگ فساد می‌شود.» فرهنگ فسادهای مالی، اخلاقی و... حاصل تمایل به آماده‌خوری علمی ناشی از چند عامل توده‌گرایی در دانشگاه، تمایل به کسب منزلت افراد دارای ثروت و قدرت، ورود افراد دارای بضاعت کم علمی به دانشگاه به ویژه در تحصیلات تکمیلی و قرار گرفتن آنها در کنار افراد با بضاعت علمی بالا حاصل می‌شود.

پاسخگویان میزان تمایل به آماده‌خوری علمی در دانشگاه ایرانی را از میانگین ۲/۵۱ در سال ۱۳۷۹ به ۳/۷ در سال ۱۳۹۴ میدانند و این نشان می‌دهد از نظر آنان تمایل به آماده‌خوری در دانشگاه‌های ایرانی افزایش داشته است. مولفه حاضر در رشته‌های عمده رتبه‌ای به شرح زیر دارد (از بیشترین آماده خوری علمی تا کمترین نوشته شده است): علوم انسانی، علوم اجتماعی کاربردی، علوم محض، علوم تکنولوژیک

۶- ضعف منطق علمی و شک سازمان یافته

موضوع علم منطق تعریف و استدلال است که اوّلی در حوزه‌ی تصوّرات و دومی در حوزه‌ی قضایا می‌باشد. در تعریف؛ روش درست درک و شناسایی مفاهیم و در استدلال روش درست درک و شناسایی قضایا بدست می‌آید. تعبیر دیگری، منطق را خطاسنج اندیشه می‌نامد. منطق چارچوب‌های ویژه‌ای را کشف و معرّفی نموده‌است که اندیشه در آن قالب‌ها از خطا و بی‌راهه رفتن مصون می‌ماند (۱۵) و شک، در لغت به معنای احساس عدم قطعیت و یا فقدان عقیده محکم، تعریف می‌شود. شک و تردید، شبیه به قدم زدن و گام برداشتن در تاریکی است ولی همیشه شک مقدمه یقین است. بنابراین لازم است در مباحث علمی شکی سازمان یافته و منطقی برای علم وجود داشته باشد که پاسخ دهندگان میزان ضعف منطق علمی و شک سازمان یافته را از میانگین ۲/۱۱ در سال ۱۳۷۹ به ۳/۰ در سال ۱۳۹۴ دانسته‌اند مولفه حاضر در رشته‌های عمده رتبه‌ای به این شرح دارد (از ضعیف‌ترین شک سازمان یافته تا بیشترین قید شده است): علوم انسانی، علوم اجتماعی کاربردی، علوم تکنولوژیک، علوم محض

۷- توانایی یادگیری مستقل

توانایی یادگیری مستقل را توانایی پژوهش، کشف دانش، توسعه مهارت‌های جدید و تحقق تعهدات مطالعه خود محقق می‌دانند که پاسخ دهندگان میانگین نمره ۳/۱ را در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ و ۳/۵ را در سال ۱۳۹۴ به این مولفه اخصاص داده‌اند تغییرات چندانی در این مولفه به چشم نمی‌خورد و در رشته‌های عمده نیز به ترتیب زیر است (به ترتیب از کمترین یادگیری مستقل تا بیشترین): علوم محض، علوم تکنولوژیک، علوم اجتماعی کاربردی و علوم انسانی

۸- تشویق به یاگیری مادام‌العمر

یادگیری مادام العمر و یادگیرنده مادام‌العمر واژه‌هایی هستند که ازلحاظ تجربی قدمتی برابر با حضور انسان در زمین دارند ولی از لحاظ علمی و نظری قدمت آن به کمتر ازیک قرن بازمی‌گردد انسان محورتوسعه وتوسعه پایدار بالنده‌ترین مناظره قرن بیستم و مبنای بسیاری ازتحلیل‌ها و نظریه‌های چالش محور قرن بیست و یکم است. یادگیری مادام‌العمر یک اصل سازمان یافته‌ی چند بعدی است که جنبه عمودی آن طی فرآیند یادگیری از تولد تا مرگ است و جنبه افقی آن بر زمینه‌های متفاوت یادگیری شامل خانواده، اجتماع، مدرسه، دانشگاه و محل کار متمرکز می‌شود. این نوع از یادگیری به جای تمرکز روی یادگیری یکنواخت در یک برهه از زندگی و استفاده از آن در بقیه عمر، ناگزیر از پراکنده‌سازی تمامی

[Downloaded from nama.ajaums.ac.ir on 2026-10-31]

حواس و امکانات یادگیری در سرتاسر عمر است تا فرد بتواند متناسب با تغییرات روزمره زندگی و همراه با آنها، امکانات معیشتی خود را در این تطابق‌یابی جدید به بهترین وجه میسر سازد. این نوع از یادگیری برای سه مرحله از زندگی با سه هدف متفاوت متمرکز است: ۱- توسعه فرهنگی: وابسته به فهم، مالکیت فکری و مفهوم‌سازی ۲- توسعه اجتماعی وابسته به شهروندی و مشارکت اجتماعی ۳- توسعه حرفه‌ای و اشتغال‌پذیری وابسته به تولید، رضایت شغلی، رفاه مالی و پایداری اقتصادی (۱۷).

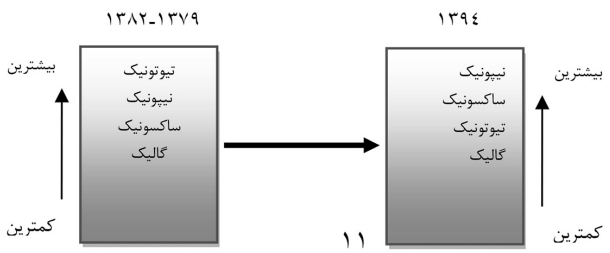
پاسخ‌دهندگان میانگین نمره ۲/۸ در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ و میانگین نمره ۳/۴۱ را در سال ۱۳۹۴ به این مولفه داده‌اند و این نشانگر افول این شاخص به میزان کمتری است. وضعیت این مولفه در رشته‌های عمده رتبه‌ای به این شرح دارد (به ترتیب از بیشترین یادگیری مادام‌العمر تا کمترین):

علوم انسانی، علوم اجتماعی کاربردی، علوم محض و علوم تکنولوژیک

تجزیه و تحلیل مولفه‌ها از منظر صاحب نظران

برای درک و تجزیه و تحلیل بهتر موضوع به تعدادی از استادان با تجربه دانشگاه مراجعه شد تا با انجام مصاحبه نظرهای آنان اخذ شود: استاد درس مدیریت استراتژیک دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی دلیل تقلیدگرایی در مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی کشور را ناشی از نبود ساختارهای مناسب در دانشگاه برای انجام تحقیقات علمی‌و تولید علم می‌داند. استاد دیگری تمایل دانشگاهیان به تقلیدگرایی را به دلیل ضعف شدید دو عنصر از چهار عنصر آموزش اثربخش می‌داند. عناصر استاد و دانشجو به ترتیب به دلیل عدم گزینش مناسب و توده‌گرایی بدون توجه به نیاز علمی و نبود ارتباط قوی و منطقی بین دانشگاه و بازار کار کشور باعث ضعف در این دو عنصر شده و در نهایت تمایل به تقلیدگرایی را افزایش می‌دهد. استاد دیگری فضای بسته و به دور از آزادی اندیشه و بیان در نوشتارها و گفتارهای دانشگاهی کشور را دلیل عدم نقد و ناتوانی علمی دانشجویان‌و بی‌اعتمادی افراد دانشگاهی به همدیگر را ناشی از این فضا می‌داند. استادی که حدود ۲۵ سال سابقه تدریس در دانشگاه دارد ره‌آورد مهم وجود رانت‌های مختلف و بورسیه‌های تحصیلی بدون توجه به توانایی علمی افراد در ورود به دانشگاه به عنوان دانشجو و سپس ورود به دانشگاه به عنوان استاد را ضعف استادان دانشگاه و کمبود منطق علمی و تکرار این چرخه ضعیف (ورود دانشجوی کم بضاعت گذشته به دانشگاه به عنوان استاد در زمان حال) می‌داند که در دراز مدت چرخه تولید علم در کشور را با شیب تندی رو افول خواهد برد.

همچنین پاسخگویان به سوالات پرسش‌های مربوط به نوع فرهنگ دانشگاهی در ایران (بر اساس چهار فرهنگ گالتونگ) در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۹۴ را به ترتیب اولویت بیان شده در نمودار زیر بیان کرده‌اند:



بحث و نتیجه‌گیری

همان طور که «فاضلی» گفته است نظام آموزش عالی ایران با مشکلی به نام «فرهنگ دانشگاهی»مواجه است، فرهنگ دانشگاهی ایران موانع جدی در راه یادگیری دانشجویان ایجاد می‌کند (۱۸)، طبق یافته‌های پژوهش ما محیط آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های ایران (دانشگاههای مورد مطالعه) محیطی «ترغیب‌کننده» و «طالب» یادگیری و آموزش و پژوهش نیست (به استثناء تعداد کمی از دانشگاه‌های معتبر کشور). تقلید بدون آگاهی و نبود سیستم پرسشگر؛ مانع از رشد

[Downloaded from nama.ajaums.ac.ir on 2026-10-31]

علمی و انتقال مهارت به دانشجویان می‌شود. آماده‌خوری ناشی از ناتوانی و وجود مراکزی که به صورت آشکار اقدام به مقاله نویسی و تدوین پایان‌نامه و مقاله می‌کنند پدیده تقریبا نوظهوری است که همگام با گسترش بدون اساس دانشگاه‌های دولتی و خصوصی در کشور بدون توجه به شاخص‌های استاندارد و حتی بدون داشتن اعضای هیات علمی در بعضی رشته‌ها و همچنین پردیس‌های خودگردان در قالب توجیهی استقلال دانشگاهی و توده‌گرایی بی‌منطق و صرفاً درآمدزا در دانشگاه‌های کشور ظهور کرده و فرهنگ دانشگاهی را رو به افول برده است. مطالعه اندک در این نگارش نشان می‌دهد فرهنگ دانشگاهی در ایران با شیب تندی در حال تغییر است اما تغییری که نویدبخش تعالی علمی نیست بلکه علاوه بر این که در برخی مولفه‌ها منزلت علم و انسان دانشگاهی را خدشه‌دار نموده مانع از توسعه‌علمی کشور شده است؛ این وضعیت تا حد زیادی تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله تغییرات فرهنگی جامعه و افزایش شور دریافت مدارک دانشگاهی به وجود آمده است. همان طور که اسلامی نیز بیان کرده شرایط علمی و آکادمیک به ویژه در حوزه علوم انسانی بحرانی است؛ چه‌از نظر پذیرش و شرایط پذیرش دانشجو در تحصیلات تکمیلی، چه از نظر رفتار با استادان و چه از نظر محیط‌های آزاد علمی که باید در آن‌ها کسب علم در نظر باشد. تجارتی شدن کسب مدرک باعث افت کیفیت با شیب تندی شده است. با تبدیل شدن اخذ مدرک دکترا به یک تجارت رایج، زمینه اقدامات خودسرانه را برای برخی افراد و دانشگاه‌ها فراهم کرده تا نظام آموزش عالی را تخریب کنند. طبق نظر استادانی که در مصاحبه شرکت کردند بسیاری از این تغییرات فرهنگی در دانشگاه متاثر از تغییرات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... جامعه ملی است. از این رو سرمایه‌گذاری در ارتقای فرهنگ ملی در اولویت اول و سرمایه‌گذاری در فرهنگ دانشگاهی در اولویت دوم و جلوگیری از توده‌گرایی بدون آینده‌نگری در دانشگاه و صرفاً داشتن رویکرد درآمدزایی در ورود دانشجو به دانشگاه ایرانی عوامل مهم احیای فرهنگ دانشگاهی در ایران و در نهایت فرهنگ ملی می‌باشد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد فرهنگ دانشگاهی ایران در حال حاضر بر روابط استاد- شاگردی استوار است و دانشجویان بیشتر به ابعاد منطقی بحث هدایت می‌شوند. این فرهنگ مغایر با یافته‌های مدیریت راهبردی است و مانع از خروج دانشگاهیان از چارچوب‌های فکری سنتی می‌شود. «چارلز هندی (Charles Handy) » در کتاب عصر بی‌منطقی بیان می‌کند با توجه به سرعت و شدت تغییرات محیطی اکنون زمان آن رسیده تا به آنچه که غیر منطقی است نیز اندیشیده شود زیرا در ادبیات مدیریت استراتژیک گفته می‌شود اگر منطقی فکر کنید همانند رقیب خود فکر کرده‌اید و باید به چیزی بی‌اندیشید که رقیب‌تان به آن فکر نکرده است. محققین برای بهبودوارتقای فرهنگ دانشگاهی در ایران سه پیشنهاد زیر را داده‌اند:

مهم‌ترین راه‌کار احیای فرهنگ دانشگاهی در ایران جلوگیری از توده‌گرایی‌و گسترش‌های بی‌رویه‌جذب دانشجو به ویژه در تحصیلات تکمیلی است. به ویژه در مقطع دکتری که لازم است حتماً نخبه‌گرایی جایگزین توده‌گرایی شود.

دقت در جذب اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و دخالت ندادن هیچ گونه ملاحظه‌ای در جذب استاد و دانشجو و کاهش نقش رانت‌های مختلف اعم از سهمیه و بورسیه و صرفاً تاکید بر بضاعت و استعداد علمی داوطلبین ورود به دانشگاه.

مطالعه و پژوهش عمیق وریشه‌ای در عوامل فرهنگی واجتماعی دانشگاه‌ها با تاکید بر ابعاد استاد- دانشجو و کاربست یافته‌ها در اداره امور دانشگاه‌ها.

[Downloaded from nama.ajaums.ac.ir on 2026-10-31]

References

1- Farasatkhah M, University and Higher Education, Global perspectives and Iranian problems, Tehran, Ney Publishers, 2009 (Persian)
2- Abazari Y. Problem solveing. social Sciences Leeters, Tehran, 2003. (21) (Persian)
3- Mohseni tabrizi A and others, Scientific socialization basic issues analysis in academic environments of Iran,Tehran, Contemporary Jornal of Sociology,2009, (1) 79-102 (Persian)
4- Galtung, J. Structure, Culture and intellectual Style: and essay comparing Saxonic, Teuotonic, Gallic and Hipponic, Social sience Information, London, 1981, (20) 817-56
5- Nickols, Kate, Strategic planning in higher education: A guide for heads of institutions. Senior managers and members of governing bodies, K. Nickils @ hefce.Ac. UK. 2004
6- Farasatkhah M, The Adventure of University in Tehran, rasa Publishers 2010 (Persian)
7- UNESCO, Culture and Development (Anthropological approach to development), translated by fazeli. N & fazeli M, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance, 1997 (Persian)
8- Merton, R.K. Sociaological Ambivalencid: and other Essays. Lonon: The free pres,1976
9- Mullkay, M.j, Science and the Socielogy of Knowledge. London: Allen &Unwin,1976
10- Fang, G. Cultural Consciousness, Cultural Quality, Cultural Experience. China Higher Education Research, 2012, 1, 10-12
11- David. F. R, Strategic Management, translated by Arabi and Parsaean,Tehran, Cultural Research Office, 2009 (Persian)
12- Bazargan A, Internal evaluation of university and its Applications in continuous quality improvement of higher education, Higher Education Research and Planning jornale 1995, (4),1-22 (Persian)
13- Pasandideh J,Ghobakhloo M, Professional ethics and Islamic banking, Tehran, narvan Publishers, 2014 (Persian)
14- Silburn, J. University Culture. Perth. WA: Murdoch University, Teaching and Learning Centre,2008
15- www.ettelaathekmatvamarefat.com
16- Bahadori M, Izadi M, Hoseinpoure F M. Plagiarism, Concepts, Factors and Solutions, Tehran, Jornale of Military Medicine,2012,14 (3),168-176 (Persian)
17- .https: //fa.wikipedia.org
18- Jahed H, jafarzadeh M, Ahmadi B, Lifelong learning, Required for sustainable development, Available at http: // www.civilica.com/Paper-SDCONF01-SDCONF01_2187.html

[Downloaded from nama.ajaums.ac.ir on 2026-10-31]

Academic culture and its changes in Iran

Ahmady GA[1], *Pasandideh J[2], Dehghanzadeh A[3]

Abstract

Amis: One of the preconditions for the civilization is science production, which requires cultural, social and normative structures. One of the most important cultural tools is academic culture. Academic culture is different from the social, organizational and national culture. This research aimed to investigate the academic culture in Iran and the reasons for its changes.

Methods: based on the findings of previous studies in connection with academic culture, In this research we evaluated the academic culture in Iran and its changes during the past 15 years (2000-2015) through the mix method (Quantitative including descriptive and Survey Qualitative including self- lived, exploration). Study population was official and visiting faculty members of management, humanities and technical college of, Islamic Azad university (North Tehran, Central Tehran and Yadegare Imam Khomeini branches), Tehran and Allameh Tabataba'i Universities and Farabi College . Data were collected through questionnaires and interviews. quantitative data were analyzed using SPSS version 21.

Results: The results of research showed that apart from the influence of cultural, economical, social and political Conditions on, academic culture in Iran it is also affected by diverse cultural developments in Iranian society, unplanned spread of universities in response to the increasing educational demands, populism in universities, granting various scholarships . Currently the dominant culture in Iranian university culture is Hipponic.

Discussion: According to the results of this research, the education and research environment of the studies Iranian universities is neither persuasive nor aspirant environment for learning, training and research. Uninformed Imitation and lack of questioning system, limit the scientific development and transfer of skills to the students. Our study showed that academic culture in Iran, is changing with a steep slope. This Changes are not promising scientific excellence, instead in some ways violates academic dignity and hinders the Country's scientific development. Scientific position and academic situation looks critical, especially in the humanities field. which affect the knowledge creation, especially in the humanities field.

Keywords: Culture, University, Academic culture

1- Associate Professor in Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran

2- (*Corresponding Author) Lecturer of Farabi University, PhD candidate of Management, Islamic Azad University north Tehran Branch, Tehran, Iran. Email: Javadpasandideh@gmail.com

3- Faculty Member of Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran Iran

[Downloaded from nama.ajaums.ac.ir on 2026-10-31]